

بررسی ضمانت‌نامه‌های بانکی و اعتبارات اسنادی در پرداخت‌های تجارت بین‌الملل از منظر فقه و حقوق ایران

یعقوب علیزاده^۱

۱. استادیار گروه الهیات فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. ایمیل: y_alizadeh@pnu.ac.ir

چکیده

یکی از مهمترین ریسک‌های عمده در تجارت بین‌الملل به نگرانی در خصوص احتمال عدم پرداخت وجه و ثمن معامله از سوی خریدار به فروشنده و در عین حال تطابق نداشتن کالای ارسال شده از سوی فروشنده مطابق قرارداد منعقد شده است. کارکرد ضمانت‌نامه‌های بانکی و اعتبارات اسنادی رفع مشکلات این چنینی در تجارت بین‌الملل است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه‌های بانکی در پرداخت‌های تجارت بین‌الملل از منظر فقه و حقوق ایران است. مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است. از منظر فقهی و حقوقی ضمانت‌نامه‌های بانکی با عقود شناخته شده در فقه و حقوق ایران تطابق کامل ندارد. در واقع، ایقاعات و عقود به ویژه عقد ضمان، ظروف و قالب‌های برانده‌ای برای انواع گوناگون ضمانت‌نامه‌های بانکی نیستند زیرا شرایط و تعهدات طرفین در ضمانت‌نامه‌های بانکی را کامل شامل نمی‌شوند. در خصوص اعتبارات اسنادی نیز باید گفت که ماهیت حقوقی اعتبار اسنادی، یک تاسیس حقوقی نو ظهور است که در قالب نهادهای پیشین قابل تحلیل نیست. ضمانت‌نامه‌های بانکی بین‌المللی نسبت به اعتبارات اسنادی با توجه به تفاوت آن‌ها از نظر هدف که در اعتبارات اسنادی وظیفه پرداخت است و در ضمانت‌نامه‌ها وظیفه تضمین و چرخش عملیات متفاوت از یکدیگر می‌باشد. وظیفه بانک در اعتبارات اسنادی مشروط به ارائه اسناد است ولی در ضمانت‌نامه معمولاً بدون شرط است.

کلیدواژگان: روش‌های پرداخت، اعتبارات اسنادی، ضمانت‌نامه‌های بانکی، وجوه نقد

مقدمه

ضمانت نامه بانکی و اعتبارات اسنادی از مهمترین روش‌های پرداخت در تجارت بین‌المللی است. در خصوص ماهیت عقد ضمان، برخی بر این باورند که «ماهیت و ذات عقد اقتضای نقل ذمه به ذمه را دارد» (کرکی (محقق ثانی)، ۱۴۱۴، ج ۴، ۴۲۷). برخی دیگر، بر عکس، اعتقاد دارند که «مقتضای عقد ضمان، ضم ذمه به ذمه است نه نقل ذمه به ذمه» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲، ۵۹۱). «بی‌شک هر گاه عقد ضمان به طور مطلق منعقد گردد و هیچ قیدی نباشد، در حقوق ما اطلاق نشانگر نقل ذمه به ذمه است؛ اما این انتقال دین مقتضای ذات عقد نیست. بنابراین طرفین می‌توانند در خود قرارداد خصوصی شرط کنند که مضمون له جهت وصول دین خود بدو به مضمون عنه مراجعه کند و اگر طلب او پرداخت نشد به ضامن رجوع کند (ضمان طولی) یا اینکه شرط کنند ضامن و مضمون عنه در کنار هم متضامناً مسؤول پرداخت دین به مضمون له گردند؛ به گونه‌ای که مضمون له بتواند برای تمام یا بخشی از طلب به هر کدام که می‌خواهد رجوع کند (ضمان عرضی) و چنین قراردادهایی را می‌توان با توجه به مواد ۱۰۷۲۳، ۴۰۲ و ۴۰۳ قانون تجارت نافذ و دارای آثار حقوقی دانست» (بیکیان، ۱۳۹۶، ۱۰۹). یکی از موارد که در فلمر و اعتبارات اسنادی اهمیت بسزایی دارد و نظریات بسیاری نیز در پیرامون آن مطرح می‌باشد بحث ماهیت حقوقی اعتبارات اسنادی است که از همان دهه‌های آغازین قرن بیستم یافتن ماهیت حقوقی مناسب برای نهاد اعتبار اسنادی، امری که به اعتقاد نویسندگان «یافتن راه حل فروعاً حقوق اعتبار اسنادی متوقف بر فهم آن است و نویسندگان بسیاری در این زمینه دست به قلم گردیده‌اند به عبارتی دو ویژگی‌ای که در واقعیت نهاد اعتبار اسنادی وجود دارد و اکثر نظام‌های حقوقی در مقام تحلیل ماهیت حقوقی اعتبار اسنادی با آن دست به گریبانند عبارت است از ۱. وصف استقلال اعتبار ۲. عدم قابلیت فسخ اعتبار از لحظه صدور در کامن لا، مشکل دیگری نیز بر دو مورد فوق افزوده می‌شود و آن مسئله عوض در رابطه میان بانک - ذینفع است. در کشورهای حقوق نوشته نیز اهتمام حقوق دانان به تحلیل این نهاد در قالب‌های شناخته شده و جای دادن آن در قالب نهادهای مقرر در کدها بر دشواری و پیچیدگی موضوع افزوده است» (اربابی؛ یغمائیان، ۱۳۸۹، ۱۳۳). سوالات اساسی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که ماهیت حقوقی ضمانت بانکی و اعتبارات اسنادی چیست و تعهدات طرفین به چه صورت است؟ در راستای بررسی و پاسخ به سوال مورد اشاره ابتدا ماعت حقوقی ضمانت‌نامه‌های بانکی و روابط طرفین بررسی می‌شود و سپس ناعیت حقوقی و روابط طرفین در اعتبارات اسنادی تبیین و تحلیل می‌گردد.

مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

یافته‌ها

از منظر فقهی و حقوقی ضمانت‌نامه‌های بانکی با عقود شناخته شده در فقه و حقوق ایران تطابق کامل ندارد. در واقع، ایقاعات و عقدها به ویژه عقد ضمان، ظروف و قالب‌های برانده‌ای برای انواع گوناگون ضمانت‌نامه‌های بانکی نیستند زیرا شرایط و تعهدات طرفین در ضمانت‌نامه‌های بانکی را کامل شامل نمی‌شوند. در خصوص اعتبارات اسنادی نیز باید گفت که ماهیت حقوقی اعتبار اسنادی، یک تاسیس حقوقی نو ظهور است که در قالب نهادهای پیشین قابل تحلیل نیست.

بحث

عرف‌ها و رویه‌های متحدالشکل اعتبارات (یو.سی.پی) اعتبار اسنادی را چنین تعریف می‌کند: «هر ترتیبی، با هر نام و وصفی، که به موجب آن یک بانک (بانک گشاینده اعتبار) بنا به درخواست و بر اساس دستورات یک مشتری (مقتضای گشایش اعتبار) یا از جانب خود تعهد می‌کند:

(۱) مبلغی را در وجه یا به حواله کرد شخص ثلثی (ذی نفع اعتبار) بپردازد یا اسناد تجاری (برات/بروات) صادره از سوی ذی نفع اعتبار را قبول و پرداخت کند؛ یا (۲) به بانک دیگری اختیار دهد این پرداخت را صورت دهد یا اسناد تجاری (برات/بروات) صادره از سوی ذی نفع را قبول و پرداخت کند؛ یا (۳) به بانک دیگری اختیار دهد اسناد تجاری (برات/بروات) صادره از سوی ذی نفع را معامله و نقد نماید، در میان سند (اسناد) مشخص شده، مشروط بر اینکه شروط و تعلیقات مقرر در اعتبار رعایت شده باشد. ضمانت نامه بانکی ابزاری مهم در قراردادهای تجاری به ویژه قراردادهای بین‌المللی است؛ زیرا ریسک اقتصادی قرارداد را به حداقل می‌رساند و ضمانت اجرایی قدرتمند تلقی می‌شود. قراردادهای بین‌المللی بدون داشتن پشتوانه‌ی معتبر نظیر ضمانت‌های بانکی، از تکیه‌گاه حقوقی قابل اطمینانی برخوردار نیستند (اخلاقی، ۱۳۶۸، ۱۵۶).

ضمانت‌نامه‌های بانکی در پرداخت‌های تجارت بین‌الملل از منظر فقه و حقوق ایران

در این قسمت به بررسی ضمانت‌نامه‌های بانکی در پرداخت‌های تجارت بین‌الملل از منظر فقه و حقوق ایران پرداخته می‌شود.

ماهیت فقهی و حقوقی ضمانت نامه بانکی

نظریه عقدی بودن ضمان

فقها در مورد ماهیت ضمان، به اتفاق چنین اظهار می‌دارند: «ضمان عقدی است که به منظور تعهد به مال یا نفس تشریح شده است» (محقق حلی، ۱۴۰۲، ج ۱۵، ۲۵۷). «بنابراین فقهایی که به ارائه تعریفی برای ضمان به معنای اعم مبادرت کرده‌اند و اکثر قریب به اتفاق آنان از فقه‌های امامیه هستند، در ابتدا ضمان را به عنوان یک عقد معرفی می‌کنند و گویا عقد بودن را به عنوان جنس مشترک سه تعهد مندرج در ضمان به معنای اعم (کفالت، حواله و ضمان به معنای اخص)، لحاظ کرده‌اند». طرفداران (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۱، ۴-۳؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۳، ۳۷۹)؛ نظریه عقد بودن ضمان «در مورد کیفیت و نحوه ایجاد این تعهد دو جانبه و ارکان تشکیل دهنده آن اتفاق نظر ندارند و در این مسأله که عقد ضمان طبق روال معمول دیگر عقود صورت می‌گیرد و چون هر عقدی اصولاً نیاز به صیغه‌ای با کیفیت و الفاظ خاص، متشکل از ایجاب و ایجاد تعهد توسط موجب و قبولی از طرف قابل دارد و یا خیر، به دو گروه منشعب گشته‌اند» (بیکیان، ۱۳۹۶، ۱۰۹). برخی معتقدند «در عقد ضمان برخلاف دیگر عقود، نیاز به صیغه با کیفیت مقرر نیست و صرف احراز رضایت مضمون‌له به هر شکل که باشد کافی است» (نجفی، ۱۳۸۹، ج ۲۶، ۱۱۴). و برخی معتقدند «در عقد ضمان همچون عقود دیگر صیغه با کیفیت مقرر مورد نیاز است» (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۶، ۸۴). دیدگاه طرفداران نظریه عقدی بودن ضمان در دو دسته قابل تحلیل است:

الف) نظریه عقد تشریفاتی

«پیروان این نظریه نه تنها رضایت مضمون‌له را در تحقق ماهیت ضمان لازم شمرده‌اند، بلکه معتقدند این رضایت باید در قالب مخصوص عقود و با کیفیت و صیغه مخصوصی ابراز گردد تا مؤثر واقع شود و صرف وجود رضایت مضمون‌له به هر کیفیتی و در هر زمانی حاصل شود موجب عقد ضمان نخواهد بود و کفایت نخواهد کرد. این گروه به ادله متعددی از جمله روایات استناد کرده‌اند که فقها در متون فقهی خویش به نقل و بعضاً هم به نقد آن‌ها پرداخته‌اند» (جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۶۷).

ب) نظریه عقد غیر تشریفاتی

«اکثریت قریب به اتفاق فقه‌های امامیه با وجود اینکه ضمان را از عقود شمرده‌اند، اما پیروی از قواعد و مقررات شکلی و تشریفات عقدی را در آن ضروری و لازم ندانسته‌اند» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۵، ۳۶۵). «در حقیقت، این بزرگواران با ابراز این نظریه در مقام بیان دو مطلب

هستند: مطلب اول اینکه رضایت مضمون‌له به منظور صحت، لزوم یا تأثیر عقد ضمان، حسب نظریات مختلف ضروری است. مطلب دوم اینکه رعایت شرایط و مقررات حاکم بر شکل و نحوه ابراز عقود (ایجاب و قبول) در عقد ضمان لازم نیست. لذا در استدلالهایی که به منظور اثبات مدعیان ا ارائه کرده‌اند گاهی لزوم صرف احراز رضایت مضمون‌له و گاهی عدم لزوم صیغه و نفی کیفیت خاص قبولی مقرر در سایر عقود محور قرار گرفته و در عین حال هدف واحدی دنبال شده است» (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ۸۸).

«پیروان این نظریه در نقش رضایت مضمون‌له در عقد ضمان اتفاق نظر ندارند. گروهی رضایت مضمون‌له را شرط صحت عقد ضمان می‌دانند» (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۲، ۸۸). و «گروهی عقد ضمان را با ایجاب ضامن صحیح دانسته و در مرحله لزوم عقد ضمان، رضایت مضمون‌له را ضروری می‌شمرند» (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۱، ۱۰).

«نظریه لزوم رضایت مضمون‌له و به عبارت دیگر، عدم لزوم پیروی از تشریفات عقدی در عقد ضمان حاصل گذشت زمان و سعی و تلاش پیگیری فقهای عظام است و بر این محور استوار گردیده که عقد ضمان عبارت است از وثیقه‌ای به نفع مضمون‌له و اعانت و التزامی به نفع مضمون‌له، بدون اینکه تملیک و تملکی در آن صورت پذیرفته باشد. بر همین اساس، رعایت ضوابط و تشریفات مقرر در عقود تملیکی از جمله ایجاب و قبول با الفاظ ویژه، توالی آن‌ها و... ضروری نیست و صرف احراز رضایت مضمون‌له به منظور تحقق عقد ضمان مؤثر، کفایت می‌کند» (محقق حلی، ۱۴۱۰، ج ۱۵، ۲۵۷).

نظریه ایقاع بودن ضمان

برخی از فقها و حقوقدانان «ضمان را به عنوان تعهدی یک جانبه و به اصطلاح فقهی یک ایقاع شناسایی کرده و معتقدند در هیچ یک از مراحل تشکیل یک تعهد مؤثر به عنوان ضمان (اعم از صحت، لزوم و تأثیر) قبول تشریفاتی و صرف رضایت مضمون‌له به هر شکل ممکن، دخالت و تأثیری ندارد» (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۱، ۱۰). «پیروان نظریه تعهد یک جانبه یا ایقاع به منظور اثبات نظریه ابرازی خود دلایلی را مبنی بر اطلاقات و عموماتی از آیات و روایات و نصوص روایی، به شرح ذیل، مورد استناد قرار داده‌اند: اطلاق و عموم آیه شریفه *أَوْفُوا بِالْعُقُودِ* شامل عهود موثقه، از جمله نذر و عهد و یمین هم می‌شود، چه رسد به ضمان که پای حقوق مردم در میان است» (مائده/۵).

«اطلاق و عموم روایت *الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ مُؤْمِنَانِ* پای شرایط خودشان ایستاده‌اند؛ مبنی بر اینکه هم شامل شرایط ضمنی در عقد و هم شامل مطلق التزام، که معنای ظاهر از بین معانی شرط است، باشد. یکی از مصادیق این روایت التزام و تعهد ضامن حتی بدون قبول و رضایت بستانکار است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ۱۶۹). فقها و حقوقدانان در مورد روایات باب ضمان چنین اظهار نظر فرموده‌اند: «الف) هر چند در دو روایت ضمان حضرت علی (ع) و ابوقتاده از میت بدهکار، پیامبر (ص) بدون سؤال از رضایت بستانکاران به این دو ضمانت ترتیب اثر دادند، لیکن این اشکالات بر این دو روایت وارد است: اول: سند این دو روایت ضعیف است. دوم: دلالت هر دو روایت ضعیف بوده و معارض دارد. سوم: این دو روایت نهایتاً نسبت به لزوم و عدم لزوم رضایت بستانکاران در تحقق ضمان اطلاق دارد و صرف عدم لزوم رضایت آن‌ها را ثابت نمی‌کند» (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۱، ۱۱). چهارم: «این روایات اختصاص به ضمانت از میت بدهکار دارد که دست بستانکار از همه جا کوتاه گشته است و دلیلی اخص از مدعاست. پنجم: چه بسا در این روایات قرینه‌هایی مبنی بر رضایت بستانکاران وجود دارد؛ زیرا از یکسو، ضمانت از بدهکاری میت و مفلس صورت پذیرفته که امید به وصول طلب از آن‌ها قطع گشته است و از سوی دیگر، ضمانت اشخاص و بزرگوارانی چون حضرت علی (ع)

و ابوقتاده با وضعیت موجود دال بر رضایت بستانکاران است» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۵، ۱۷۱). ششم: «این دو روایت خلاف مقصود و نظریه استدلال‌کنندگان را می‌رساند؛ زیرا ایشان در صدد اثبات عدم لزوم رضایت بستانکار به عنوان طرف قرارداد ضمان هستند، در حالی که این دو روایت با قرینه‌های مذکور در ایراد قبلی بر وجود رضایت بستانکاران می‌باشند. هر چند این رضایت در قالب تشریفات عقدی ابراز نشده است، لیکن عدم نقل، بر وجود نداشتن دلالت ندارد و حداقل، این روایات عدم بطلان ضمان تا قبل از علم و رد بستانکاران را می‌رساند» (اسدی و انانی، ۱۳۸۹، ۴۵).

«ظاهراً بین این سه نظریه (نظریه عقد تشریفاتی، عقد غیر تشریفاتی و تعهد یک جانبه) تباین وجود دارد؛ اما می‌توان این نظریات را در نظریه‌ای جمع‌بندی و به هم نزدیک کرد. بر اساس این نظریه تمام ماهیت عقد توسط موجب ایجاد می‌شود و طرف مقابل عقد هیچ نقشی در تقویم ماهیت عقد ندارد، هر چند در مؤثر بودن عقد دخالت دارد. عقد از مقوله معناست و موطن معنا در افق نفس است. وجود نفسی با قصد تمامیت می‌یابد و عقد نه تنها تابع قصد است، بلکه عین آن می‌باشد و انفکاک و جدایی میان آن‌ها نیست تا تبعیتی به دنبال داشته باشد. بنابراین، عقد امری بسیط است نه مرکب از ایجاب و قبول. زیرا در واقع، موجودات معنوی ترکیب نمی‌پذیرند. اما از آنجا که امور معنوی و قصدهای اشخاص از طریق الفاظ به یکدیگر منتقل می‌شود عقد نیز از طریق الفاظ ابراز و اظهار می‌گردد و به طرف مقابل منتقل و تفهیم می‌شود» (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۶، ۸۴).

روابط حقوقی ضمانت‌نامه‌های بانکی

در این قسمت تلاش شده روابط حقوق در ضمانت‌نامه‌های بانکی تبیین شود.

رابطه بانک با مضمون عنه

«رابطه اصلی که در واقع ضمانت‌نامه را ایجاد کرده و پدید می‌آورد رابطه حقوقی و قراردادی بین بانک ضامن و مضمون عنه است. مضمون عنه بدلیل نیازی که به تحصیل و ارائه ضمانت‌نامه بخاطر و بر مبنای قراردادی که با مضمون عنه منعقد نموده دارد به بانک مراجعه و تقاضای صدور ضمانت‌نامه‌ای به نفع مضمون له می‌نماید. بانک بر اساس روابط بانکی قبلی خود با مضمون عنه (بدلیل اینکه مضمون عنه معمولاً به بانکی برای تحصیل ضمانت‌نامه مراجعه می‌کند که امور بانکی وی در آن بانک متمرکز است و در واقع مشتری آن بانک است) و با توجه به ضوابط و مقررات خود و پس از اخذ وثیقه معتبر و قابل قبول (مبادرت به (۲) صدور ضمانت‌نامه‌ای می‌نماید که بر اساس آن و تا سقف مبلغ مشخص شده در آن تعهد غیر قابل برگشتی را بعهد می‌گیرد در ضمانت‌نامه بانکی بانک معمولاً دین مضمون عنه را بعهد نمی‌گیرد بلکه در مقابل مضمون له تعهد می‌نماید که بسیار عام‌تر و فراتر از دین (به مفهومی که در عقد ضمان استعمال می‌شود است)» (الشریف و همکاران، ۱۴۰۰، ۲۴). «ارائه تعهد موضوع ضمانت‌نامه صادره توسعه بانک، تبرعی و مجانی نیست بلکه بانک در راستای فعالیت‌های تجاری و بانکی خود، با صدور ضمانت‌نامه مبادرت به محاسبه و دریافت کار خود و بر مبنای مبلغ مندرج در آن از مضمون عنه می‌نماید در این زمینه بانک با مضمون عنه مبادرت به انعقاد قرارداد می‌کند که در آن روابط قراردادی طرفین و حقوق و تعهدات هر یک تشریح و بیان می‌گردد» (مهدوی؛ عباسی، ۱۳۹۶، ۱۸).

«ضمن این قرارداد مضمون عنه مبادرت به ارائه وثیقه قابل قبول به بانک نموده و تعهد به پرداخت کارمزد متعلقه می‌نماید و در مقابل بانک نیز تعهد و تضمین می‌نماید که حسب مفاد ضمانت‌نامه و با حصول شرایط مقرر در آن تا سقف مبلغ مندرج در ضمانت‌نامه را با مطالبه مضمون له به وی بپردازد. با صدور ضمانت‌نامه قسمت اول روابط قراردادی ضامن و مضمون عنه پایان می‌یابد و اما روابط حقوقی طرفین در بخش دوم

بستگی به این مسئله دارد که آیا وجه ضمانت نامه توسط ذینفع آن محاسبه و دریافت می‌شود یا خیر؟ در ابتدا بایستی متذکر گردید که مضمون عه در صورت ایجاد بحران در روابط قراردادی خود با مضمون له و احساس اینکه وی من غیر حق در صدد مطالبه وجه ضمانت نامه است می‌تواند به تحصیل دستور موقت بانک، ضامن را از پرداخت وجه ضمانت نامه ممنوع سازد و اما در رابطه عادی طرفین اگر مضمون له وجه ضمانت نامه را مطالبه نموده و در عین حال در پایان مدت تقاضای تمدید ضمانت نامه نکرده، ضمانت نامه باطل و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد» (رفیعی راد؛ غلامی باغی، ۱۴۰۰، ۷۲).. «در این صورت مضمون عه فقط مکلف به پرداخت کار مزد صدور ضمانت نامه می‌باشد و وثایق وی نزد بانک ضامن نیز آزاد می‌گردد و اما در صورتیکه حسب مفاد و مندرجات متن ضمانت نامه و با رعایت شرایط مقرر در آن، مضمون له وجه ضمانت نامه را مطالبه بنماید و بانک نیز حسب شرایط مقرر مبلغ ضمانت نامه را به وی بپردازد. در این صورت حسب توافقات بین طرفین، مضمون عه مکلف است بلافاصله معادل مبلغی که توسط بانک پرداخت شده است را به بانک مسترد نماید. در غیر این صورت بانک از محل وثایق مضمون عه مبادرت به وصول اصل طلب و خسارات وارده به خود خواهد نمود. و اما در صورتیکه بانک بدون رعایت ضوابط قراردادی و بدون حصول شرایط مقرر در متن ضمانت نامه مبادرت به پرداخت وجه ضمانت نامه نموده باشد در این صورت حق مطالبه مبلغ پرداختی را از مضمون عه نخواهد داشت چرا که مغایر مفاد توافق بین خود و مضمون عه رفتار نموده و مضمون عه نیز نسبت به چنین پرداختهایی در مقابل بانک هیچ گونه تعهد و یا تکلیفی ندارد. النهایه بانک می‌تواند با استناد به مقررات قانون مدنی در باب ایفاء ناروا مواد (ماده ۱۰۳ به بعد قانون مدنی) جهت استرداد آنچه به ناروا به مضمون له پرداخت شده است به وی مراجعه نماید» (زینلی؛ صفرزاده، ۱۴۰۰، ۴۳).

رابطه بین بانک ضامن و مضمون له

«علی القاعده بین بانک و مضمون له در ابتدا رابطه مستقیمی ایجاد نمی‌شود. ضمانت نامه را مضمون له از مضمون عه مطالبه می‌نماید و روابط قراردادی بین مضمون عه و بانک منتهی به صدور ضمانت نامه گردیده و مضمون عه آن را به مضمون له تسلیم و ارائه می‌نماید. مضمون له ذینفع ضمانت نامه است و در انتهای مدت ضمانت نامه یا بایستی تقاضا تمدید آن را بنماید یا اینکه با توجه به مفاد قرارداد خود با مضمون عه، وجه آن را مطالبه کند. و در صورت عدم تحقق یکی از فروض یاد شده، ضمانت نامه باطل گردیده و رابطه بانک و مضمون له پایان می‌پذیرد. و اما در صورت مطالبه وجه ضمانت نامه توسط مضمون همانگونه که در بخش پیشین دیدیم و علی القاعده ماهیت و مکانیسم ضمانت نامه‌های بانکی نیز اقتضای آن را دارد. اصل استقلال ضمانت نامه بانکی از قرارداد اصلی و پایه در روابط بین مضمون له و بانک حکم فرماست و بانک بنا به دلایلی که مربوط به قرارداد پایه و اصلی می‌باشد و با استناد به ایراداتی که از قرارداد مزبور نشات می‌گیرد نمی‌تواند از پرداخت وجه ضمانت نامه خودداری ورزد» (کاویانی؛ خداحمی، ۱۳۹۸، ۹۱). «علی الحصول بانک در رابطه بین مضمون له و مضمون عه یک ضامن بی طرف است. بنابراین به محض حصول شرایط مقرر در ضمانت نامه و رعایت مواد مندرج در آن و اعلام مراتب از طرف مضمون له و احیاناً ارائه اسناد و مدارک اشاره شده در متن ضمانت نامه بایستی مبادرت به پرداخت وجه ضمانت نامه نماید و اگر به هر دلیلی بانک از پرداخت وجه ضمانت نامه خودداری ورزد و یا در مواردی که مضمون عه با تحصیل دستور موقت پرداخت وجه ضمانت نامه توسط بانک را ممنوع ساخته باشد و بانک به همین استناد از پرداخت وجه ضمانت نامه خودداری ورزد. مضمون له می‌تواند برای مطالبه وجه ضمانت نامه به دادگاه مراجعه نماید» (ضیائی؛ معینی فر، ۱۳۹۲، ۱۲۵).

رابطه بین مضمون له (ذینفع) و مضمون عه (مدیون اصلی)

«قرارداد پایه و اصلی که بر مبنای آن و برای تضمین تعهدات مندرج در آن، ضمانت نامه صادر می‌گردد. بین مضمون له و مضمون عنه منعقد می‌گردد. حیات و ممت ضمانت نامه به این قرارداد بستگی دارد. و همه چیز در گرو شرایط ویژه مندرج در آن است» (مهدوی؛ عباسی، ۱۳۹۶، ۱۷). «در رابطه قراردادی بین مضمون له و مضمون عنه، مضمون له از مضمون عنه تقاضای ارائه ضمانت نامه بانکی بابت تضمین اجرای تمام یا بخشی از مفاد قرارداد را می‌نماید و مضمون عنه نیز با مراجعه به بانک ضامن چنین ضمانت نامه‌ای را تحصیل و ارائه می‌نماید در صورتی که مضمون عنه در اجرای مفاد قرارداد منعقد با مضمون له قصور ورزد و یا بهر ترتیب دیگر شرایط و ضوابط مقرر در متن ضمانت نامه جهت مطالبه وجه ضمانت نامه حاصل و جمع شود. مضمون له می‌تواند از بانک ضامن درخواست نماید که وجه ضمانت نامه را به وی بپردازد. در این زمینه اگر مضمون عنه نیز با مضمون له در مطالبه وجه ضمانت نامه هم عقیده باشد، روابط طرفین ناشی از ضمانت نامه پایان می‌یابد ولی در صورتیکه مضمون عنه قائل به استحقاق مضمون له در مطالبه و دریافت وجه ضمانت نامه نباشد و یا اینکه وجه را متقلبانه بداند می‌تواند قبل از دریافت مبلغ ضمانت نامه با تحصیل و دستور موقت دایر به منع بانک از پرداخت وجه آن و پس از دریافت وجه با اقامه دعوی در ماهیت، مبادرت به مطالبه و استرداد مبلغ ضمانت نامه از مضمون له نماید و طبیعی است که بیشترین دعاوی ناشی از ضمانت نامه نیز در همین رابطه اجرا می‌شود» (مسعودی، ۱۳۸۲، ۵۹-۵۷).

اعتبارات اسنادی بانکی در پرداخت‌های تجارت بین‌الملل از منظر فقه و حقوق ایران

در این قسمت به بررسی اعتبارات اسنادی بانکی در پرداخت‌های تجارت بین‌الملل از منظر فقه و حقوق ایران پرداخته می‌شود.

ماهیت حقوقی اعتبارات اسنادی

«در این خصوص که ماهیت اعتبار اسنادی در چارچوب قراردادها قابل تحلیل است یا در قالب تعهدات میان حقوق دانان اختلاف نظر دیده می‌شود، برخی آن را در قالب قراردادها تحلیل نموده، قراردادی می‌دانند» (آپانا، ۲۰۰۸، ۴۱-۳۱؛ رفیعی، ۱۳۸۷، ۹۶-۵۱). از نظر برخی دیگر «اعتبار اسنادی صرفاً نوعی شیوه پرداخت در تجارت بین‌الملل است و مبنای قراردادی برای آن مطرح نیست» (ابوالحسنی، ۱۳۸۰، ۲۰۵). با وجود این، «ماده ۴ یو.سی.پی ۶۰۰ با فارغ بودن از قید ماهیت قراردادی و یا ترتیب پرداخت، تلاش نموده است تا اعتبارات اسنادی را بنا به ماهیت خود معامله‌ای مستقل از قرارداد فروش یا سیار قراردادهایی که مبنای گشایش اعتبار قرار می‌گیرند و ارتباط میان طرفین معامله را تنظیم می‌کنند، معرفی نماید. اعتبارات اسنادی به موجب مقررات متحد الشکل (ی.سی.پی ۶۰۰) برگشت‌ناپذیر قلمداد می‌شوند تا وسیله پرداخت، تضمین معامله کالا و انجام خدمات باشند. این موضوع در راستای مسئولیت‌پذیر نمودن بیشتر بانک‌ها صورت گرفته است» (یانگ؛ یو کلی، ۱۳۳۸۵، ۳۰۹). با توجه به اصل لزوم قراردادها (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ۱۹۹)؛ «قرارداد اعتبار اسنادی از جمله قراردادهای لازم است که در صورت برگشت‌پذیر بودن آن، فقط به وسیله شرط حق فسخ برای یک طرف یا هر سه طرف امکان‌پذیر است» (لنگریچ، ۱۳۸۵، ۴۴).

علاوه بر این، «اعتبارات اسنادی از جمله عقود تشریفاتی است؛ چراکه تنظیم فرم خاص تعهدنامه، ثبت کالاهای خریداری‌شده، فرم تقاضای گشایش اعتبارات اسنادی و واریز کل یا قسمتی از مبلغ اعتبار در حسابی مخصوص، از جمله شرایطی است که اعتبارات اسنادی افزون بر شرایط اصلی عقد، باید دارا باشد» (مرادی بنی، ۱۳۸۰، ۲۴۰). همچنین «اعتبارات اسنادی به واسطه تعهد بانک گشایش‌کننده اعتبار به پرداخت وجه در مقابل ارائه اسناد، قراردادی عهدی به حساب می‌آید» (هنرمند، ۱۳۸۶، ۵۷). علاوه بر این، «اعتبارات اسنادی قراردادی است که به دنبال قرارداد موجود بین فروشنده و خریدار برای دادوستد کالا یا خدمات شکل می‌گیرد» (مرادی بنی، ۱۳۸۰، ۲۴۰). در نهایت اینکه «اعتبارات اسنادی به تبع

قرارداد خریدار و فروشنده شکل می‌گیرد، اما مستقل از قرارداد اصلی و پایه می‌باشد؛ زیرا بانک گشاینده اعتبار فقط در پی رسیدگی به مطابقت اسناد تسلیمی توسط فروشنده با اسناد مشخص شده در تقاضای خریدار است و هیچ الزامی به بررسی کالا و خدمات موضوع قرارداد پایه ندارد. از این رو گفته می‌شود که قرارداد اعتبار اسنادی معامله اسناد است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵، ج ۴، ۴۲۱-۴۲۰). با توجه به توضیحات فوق، معلوم گردید که بانک گشاینده، از ارکان قرارداد اعتبار اسنادی بوده و در روند اعتبارات اسنادی دارای نقشی کلیدی است. بر این اساس در تحقیق حاضر، نقش بانک گشاینده اعتبار و وظایفی که در اجرای اعتبار اسنادی دارد، مورد ارزیابی فقهی حقوقی قرار می‌گیرد.

قوانین حاکم بر اعتبارات اسنادی

اساساً یک معامله اعتبار اسنادی تجاری نوعی مشتمل بر سه طرف و سه معامله است (گائو؛ راس پی، ۲۰۰۳، ۲۶۶). ۱. خریدار (مشتري بانک) ۲. فروشنده (ذی نفع) ۳. بانک گشاینده اعتبار. در این قسمت به بررسی قواعد حقوقی حاکم بر روابط این سه پرداخته می‌شود.

رابطه متقاضی و ذی نفع

برای بررسی رابطه حقوقی بین متقاضی (خریدار) و ذی نفع (فروشنده) باید قرارداد پایه را بررسی کنیم. «قرارداد پایه قراردادی است که ضمن آن، شرط می‌شود با شرایط خاصی و ظرف مدت خاصی اعتبار گشایش شود. الزام به گشایش اعتبار اسنادی، از قرارداد پایه ناشی می‌شود. خریدار و فروشنده که در فرض ما طرفین یک قرارداد بین المللی هستند، در قرارداد خود توافق می‌کنند که پرداخت ثمن از طریق اعتبار اسنادی صورت گیرد و علاوه بر آن، نوع اعتبار از نظر تأیید شده یا قابل برگشت و قابل انتقال بودن یا نبودن را در قرارداد مشخص می‌کنند. همچنین، در قرارداد پایه محل گشایش و افتتاح اعتبار، محل ابلاغ، محل تأیید و زمان گشایش اعتبار، مدت زمان قابل استفاده بودن و نیز اسنادی را که در مقابل آن‌ها پرداخت صورت می‌گیرد، باید پیش بینی کرد و هیچ ابهامی باقی نگذارد. بنابراین، ملاحظه می‌شود که قرارداد پایه که منشأ اعتبار اسنادی بوده است عمده حقوق و تکالیف متقاضی و ذی نفع را معین می‌کند» (خزائی؛ نظری توکلی، ۱۳۹۴، ۱۲۱). ممکن است ادعا شود که به استناد ماده ۵۴ کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰، تعهد به گشایش اعتبار اسنادی نه از شرط، بلکه به طور مستقیم از خود عقد بیع ناشی می‌شود و جزء تعهدات اصلی مشتری در بیع است.

روابط متقاضی و بانک صادرکننده

«با توجه به اینکه رویه بانکداری ایران، اعتبارات اسنادی ارزی را در قالب جعاله افتتاح می‌کند و از طرفی نظریه نامعین و جدید بودن قرارداد اعتبارات اسنادی، مطابق با مبانی قرآنی، روایی و اصولی است. در ادامه سعی بر این است نقش و تعهدات بانک گشاینده اعتبار از دو منظر جعاله و خصوصی بودن قرارداد مورد بررسی قرار گیرد. در صورتی که اعتبارات اسنادی در قالب جعاله تحلیل گردد، بانک گشاینده اعتبار، نقش عامل را ایفا می‌کند. به این صورت که متقاضی اعتبار (جاعل) با درخواست گشایش اعتبار، از بانک می‌خواهد تا در مقابل دریافت اسناد حمل، وجه کالا را به فروشنده (ذینفع) پرداخت کند» (احمدلو و همکاران، ۱۴۰۰، ۴۲). با توجه به اینکه «در عامل اهلیت شرط نیست» (جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰، ج ۴، ۴۴۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۵، ۱۹۶)، «نیازی نیست بانک دارای اهلیت در انعقاد معامله باشد» (خزائی؛ نظری توکلی، ۱۳۹۴، ۱۲۲). البته باید «امکان انجام عمل به گونه‌ای وجود داشته باشد که عقلاً و شرعاً مانعی از انجام آن وجود نداشته باشد» (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۸، ۲۰۷). این کار هم از بانک برمی‌آید و مانعی سد راه او وجود ندارد.

لکن به نظر می‌رسد «نقش بانک فراتر از عامل در جعاله است؛ زیرا تعهدی که بانک بر عهده می‌گیرد، به هیچ وجه عامل در جعاله ندارد. تعهد بانک تعهدی غیر قابل فسخ است، در حالی که با توجه به جواز جعاله، عامل می‌تواند هر لحظه از ادامه کار انصراف دهد» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۳، ۱۲۷؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۵۸۹).

علاوه بر این، «بانک گشاینده اعتبار طبق اصل صحت قراردادها و حاکمیت اراده، می‌تواند ضمن قراردادی، خود را متعهد به انجام عملی کند، که با توجه به اصل لزوم قراردادها (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ۳۵؛ موسویان، ۱۳۹۱، ۸۱)؛ نتواند از آن برگردد. بر این اساس بانک گشاینده به عنوان یکی از طرف‌های قرارداد اعتبار اسنادی، متعهد به پرداخت وجه اعتبار در مقابل دریافت اسناد حمل می‌شود. البته در این حالت طبق قواعد عمومی قراردادها، بانک باید دارای اهلیت در انعقاد معامله باشد» (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۲، ۱۳).

روابط ذی نفع با بانکها

الف) روابط ذی نفع و بانک صادرکننده

«با گشایش اعتبار اسنادی، بانک صادرکننده ملزم می‌شود وجه اعتبار را در اختیار ذینفعی قرار دهد که اسناد را مطابق قرارداد ارائه کرده است، در حالی که هیچ رابطه قراردادی میان بانک صادرکننده و ذی نفع وجود ندارد. در بررسی رابطه حقوقی بین بانک صادرکننده و ذی نفع، آنچه بیشترین اهمیت را دارد، بررسی مبنای این الزام است. ظاهراً ذی نفع و بانک صادرکننده هیچ رابطه‌ای با هم ندارند، زیرا تنها یک رابطه قراردادی میان ذی نفع و متقاضی وجود دارد» (صیاد، ۱۳۷۰، ۷۸).

ب) روابط بانک کارگزار با ذی نفع

«از آنجا که ذی نفع و خریدار در دو کشور متفاوت سکونت دارند و متقاضی (خریدار) نیز معمولاً به بانکی در کشور خود دستور گشایش اعتبار اسنادی را می‌دهد، لازم می‌شود که از وجود بانک دیگری نیز بهره گرفته شود که از آن تحت عنوان بانک کارگزار یاد می‌شود. بانک کارگزار حسب اینکه چه وظیفه‌ای را به عهده داشته باشد، با عنوان خاصی از قبیل بانک ابلاغ‌کننده، بانک تأییدکننده و... شناخته می‌شود» (احمد لو و همکاران، ۱۴۰۰، ۴۱).

روابط بین بانک‌ها

در قرارداد اعتبار اسنادی، با بانک صادرکننده، بانک ابلاغ‌کننده، بانک تأییدکننده و... سروکار داریم که در روابط بین بانک‌ها با ید عمل آن‌ها را در اصل با نمایندگی توجیه کرد. بنابراین «اصل بر رابطه اصیل و نماینده بودن است و حقوق و تکالیف طرفین بر مبنای این اصل نشأت می‌گیرد. مثلاً در مواردی که بانک صادرکننده از بانک کارگزار می‌خواهد تا ابلاغ را انجام دهد، در چنین موردی رابطه بین دو بانک مذکور، رابطه نمایندگی است و بانک ابلاغ‌کننده به نمایندگی از بانک صادرکننده وظیفه ابلاغ را انجام می‌دهد. بانک کارگزار، به عنوان نماینده بانک صادرکننده عمل می‌کند، مگر در صورتی که بانک صادرکننده به طور صریح دستور داده باشد که بانک کارگزار، خود گشایش اعتبار کند که در این صورت رابطه بین آن‌ها رابطه مشتری و بانک می‌شود» (سماواتی، ۱۳۸۲، ۳۲).

وظایف و تعهدهای بانک گشاینده از منظر فقه

بیشترین مسئولیت‌ها در اعتبارات اسنادی متوجه بانک گشاینده اعتبار است. «همین که بانک درخواست متقاضی را پذیرفت و دستورهای لازم را در خصوص گشایش اعتبار از متقاضی دریافت کرد، باید در اسرع وقت گشایش اعتبار کند» (مرادی بنی، ۱۳۸۰، ۲۸۷). البته بیان می‌شود

«تعهد بانک به گشایش اعتبار، تعهد به وسیله است. بر این اساس اگر بانک گشاینده پس از برداشت گام‌های مقتضی موفق به گشایش اعتبار نشود و در نهایت به متقاضی اعلام کند که موفق به گشایش اعتبار نشده، به تکلیف خود عمل کرده است» (عمروانی، ۱۳۸۷، ۱۷۱). «لازمه این سخن (تعهد به وسیله بودن تعهد بانک گشاینده اعتبار) این است که حتی اگر بانک موفق به گشایش اعتبار نشود، مستحق دریافت حق الزحمه و اجرت است. در حالی که اگر اعتبارات اسنادی در قالب جعاله افتتاح گردد، باید پذیرفت بانک زمانی مستحق دریافت اجرت می‌شود که اعتبار را گشایش و به ذینفع ابلاغ کند؛ زیرا طبق نظر فقهای امامیه، در جعاله عامل با انجام عمل مستحق جُعَل می‌شود» (موسوی خمینی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۵۸۹؛ نجفی، ۱۳۸۹، ج ۳۵، ۱۹۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ۴۷۵). طبق ماده ۵۶۷ قانون مدنی نیز «عامل وقتی مستحق جُعَل (اجرت) می‌گردد که متعلق جعاله را تسلیم کرده یا انجام داده باشد».

«بانک در گشایش اعتبار ملزم به اطاعت دقیق از دستور متقاضی است. در گشایش اعتبار، پرداخت وجه و... باید دستور متقاضی را رعایت کند. در همین راستا بانک موظف به رعایت دقیق مطابقت اسناد و مدارک با دستورها و شرایط مقرر توسط متقاضی در حدود عرف بانکداری است» (عمروانی، ۱۳۸۷، ۱۷۲).

«اطاعت از دستورهای متقاضی کاملاً منطبق با موازین عقد جعاله است؛ زیرا اطاعت از دستور متقاضی به عنوان جاعل، واجب است» (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۲، ۳۶۱؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۵۸۱). «در صورت تحلیل اعتبارات اسنادی در قالب جعاله، بانک به عنوان عامل، باید هر آنچه متقاضی (جاعل) از او خواسته، انجام دهد. در غیر این صورت بانک گشاینده مستحق جُعَل نخواهد بود. از این رو در اعتبارات اسنادی اگر بانک در گشایش اعتبار و پرداخت وجه به ذینفع، مطابق با دستور متقاضی عمل نکند، مستحق دریافت اجرت و کارمزد نیست. حتی متقاضی به عنوان جاعل می‌تواند وجه اعتبار را به او باز پرداخت نکند. با تحلیل اعتبارات اسنادی در قالب عقود نامعین و پذیرفتن آن به عنوان نوعی خدمت بانکی، بانک پس از انعقاد قرارداد، موظف به رعایت دستورهای متقاضی در پرداخت وجه اعتبار به ذینفع است. در غیر این صورت، متقاضی هیچ الزام و تکلیفی در بازپرداخت وجه اعتبار و کارمزد به بانک گشاینده اعتبار ندارد. نظر به نحوه وصول پیش‌پرداخت در اعتبارات اسنادی توسط متقاضی، بانک گشاینده موظف است هنگام گشایش اعتبار نسبت به دریافت پوشش کافی به منظور حصول اطمینان از وصول بقیه وجه اعتبار بنا به اعتبار متقاضی و به تشخیص و مسئولیت خود اقدام نماید» (اربابی؛ یغمائیان، ۱۳۸۹، ۱۳۴).

نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی ضمانت نامه بانکی و اعتبارات اسنادی پرداخته شد، نتایج تحقیق نشان داد با توجه به مباحثی که در مورد ماهیت ضمانت نامه بانکی بین المللی از حیث عقد یا ایقاع بودن آن مطرح شده است، امروزه بر اساس مبانی حقوقی و عرف تجاری بین المللی، پدیده ضمانت نامه را می‌توان قراردادی غیرمعین دانست که طرفین آن بانک و ذینفع هستند. ضمانت خواه یا اصیل طرف قرارداد ضمانت نامه بانکی بین المللی نیست، هر چند که تعهدات وی در قرارداد پایه و نیز تعهد متقابل وی به بانک گشایشگر ضمانت نامه مبنی بر بازپرداخت وجه ضمانت نامه در صورت مطالبه ذینفع را می‌توان علت اصلی ورود بانک به رابطه قراردادی با ذینفع دانست. از این رو اگر بانک ضامن، با وجود مخالفت ضمانت خواه، وجه ضمانت نامه را با رعایت شروط و مفاد ضمانت نامه به ذینفع پرداخت نماید، حق رجوع به ضمانت خواه و مطالبه وجوه پرداختی را دارد. در حقوق ایران، با توجه به افتراق ضمانت نامه بانکی بین المللی از ضمانت عقدی و ضمان مقرر در قانون تجارت، این قرارداد جدید را می‌توان از نوع

قراردادهای خصوصی مستند به ماده ۱۰ قانون مدنی دانست. ضمانت‌نامه بانکی بین المللی، به رغم تشابه با سایر ابزار تضمین از حیث هدف، در سایر ابعاد و جنبه‌ها از نهادهای مذکور به ویژه ضمان سنتی فاصله گرفته و به عنوان یک پدیده جدید مطرح شده است. این پدیده جدید را نباید با قواعد و معیارهای حقوق ملی حاکم بر ضمان سنتی مورد ارزیابی قرار داد بلکه در مقام تحلیل و تفسیر مسائل ناشی از آن، باید قواعد بین المللی و ویژگی‌های این سند مد نظر واقع شود.

در تجارت بین المللی اعتبار اسنادی، به عنوان یک سند و ابزار مفید و مهم، اهمیت بسیار زیاد دارد. ایفای این نقش مستلزم آن است که قواعد حاکم بر این نوع مکانیسم پرداخت نیز، به عنوان یک ضرورت، در راستای چنین هدف و منظوری باشد. بنابراین تفکیک رابطه اعتبار اسنادی از قرارداد پایه و غیر قابل استناد دانستن ایرادات (اصل عدم توجه ایرادات) به هنگام درخواست پرداخت از سوی ذی نفع برای استوار ساختن اعتبار این مکانیسم پرداخت و حفظ ارزش آن، به عنوان یک ابزار کارآمد بانکی، در معاملات بین المللی ضروری است. «اگر بانک صالح باشد که خود را در روابط قراردادی بین طرفین دخالت دهد و یا داد گاهها بتوانند قبل از پرداخت اعتبار با ورود در ماهیت روابط قراردادی مانع پرداخت آن شوند، این سند بانکی ارزش و منزلت خود را از دست داده و از فلسفه وجودی خود دور خواهد افتاد.

فهرست منابع

- ابوالحسنی، ا. (۱۳۸۰). سفارشات خارجی (توصیف و تحلیل) (چاپ دوم). تهران: انتشارات روزنه کار.
- احمدلو، م، ناصر، م، و سالاری، ا. (۱۴۰۰). اعتبارات اسنادی تضمینی و ضمانت نامه‌های بانکی در بوته اشتراک و افتراق. مجله قضاوت، (۱۰۷)، ۱-۲۵.
- اخلاقی، ب. (۱۳۶۸). بحثی پیرامون ضمانت‌نامه بانکی. مجله کانون وکلا، (۱۴۸ و ۱۴۹)، ۴۵-۶۰.
- اربابی، م، و یغمائیان، ج. (۱۳۸۹). تجارت بین الملل مبتنی بر اعتبارات اسنادی (چاپ اول). تهران: قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا (ص)، قرب نوح (ع).
- اسدی وانانی، ز. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی مبانی فقهی و حقوقی ماهیت عقد ضمان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
- بجنوردی، ح. (۱۳۷۷). القواعد الفقهیه (جلد ششم، چاپ سوم). قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلی.
- بجنوردی، س. (۱۴۱۹). القواعد الفقهیه (جلد چهارم، چاپ ششم). قم: الهادی.
- بحرانی، ی. ب. ا. (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة (جلد بیست و یکم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- بیکیان، م. (۱۳۹۶). تحلیل ماهیت ضمانت‌نامه بانکی در مقایسه با ضمان عهده از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه. نشریه فقه و حقوق معاصر، (۵)، ۸۵-۱۱۰.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، ز. ب. ع. (۱۴۱۰). الروضة البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه (جلد چهارم، چاپ سوم). قم: کتابفروشی دآوری.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، ز. ب. ع. (۱۴۱۳). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام (جلد اول، چاپ دوم). قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

- جعفری لنگرودی، م. (۱۳۷۵). دائرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت (جلد چهارم، چاپ سوم). تهران: انتشارات مشعل آزادی.
- حر عاملی، م. ب. ح. (۱۴۰۳). وسایل الشیعه (جلد پنجم، چاپ سوم). تهران: مکتبه الاسلامیه.
- خزائی، م. و نظری توکلی، س. (۱۳۹۴). ارزیابی فقهی - حقوقی نقش و وظایف بانک گشاینده در اعتبارات اسنادی. مجله دین و قانون، (۱۰)، ۷۰-۵۵.
- خوانساری، س. (۱۴۰۵). جامع المدارک فی شرح المختصر النافع (جلد سوم، چاپ دوم). تهران: مکتبه الصدوق.
- رفیعی راد، م. و غلامی باغی، س. (۱۴۰۰). اصول و ماهیت ضمانت‌نامه‌های بانکی. مجله حقوق داور، (۲۴)، ۵۰-۳۵.
- رفیعی، م. ت. (۱۳۸۷). تحلیل حقوقی گشایش اعتبار اسنادی در حقوق ایران. نشریه اندیشه‌های حقوق خصوصی، (۱۲)، ۹۵-۷۵.
- زینلی، ح. و صفرزاده، م. (۱۴۰۰). ماهیت حقوقی ضمانت‌نامه‌های بانکی و فرآیند ضبط آن در حقوق ایران (قسمت دوم). مجله دادرسی، (۱۴۸)، ۶۰-۴۰.
- سبزواری، س. ع. (۱۴۱۳). مهذب الاحکام (جلد هجدهم، چاپ چهارم). قم: مؤسسه المنار.
- سماواتی، ح. (۱۳۸۲). حقوق معاملات بین‌المللی (چاپ سوم). تهران: انتشارات ققنوس.
- الشریف، م.، جلالی، م.، مظاهری، ر. و رضائیان، ع. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی ماهیت ضمانت‌نامه‌های بانکی در پرتو اصل استقلال. مجله تحقیقات حقوقی، (۹۴)، ۱۱۰-۸۵.
- صیاد، ل. (۱۳۷۰). اعتبار اسنادی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران، تهران.
- ضیائی، م. ع. و معینی فر، م. (۱۳۹۲). تحلیل ماهیت فقهی و حقوقی ضمانت‌نامه‌های بانکی. مجله اقتصاد اسلامی، (۵۱)، ۶۵-۴۵.
- طباطبائی، س. م. ک. (۱۳۶۳). العروه الوثقی (جلد دوم، چاپ سوم). تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.
- علامه حلّی، ح. ب. ی. (۱۴۱۳). قواعد الاحکام (جلد دوم، چاپ چهارم). قم: دفترانتشارات علوم اسلامی.
- علامه حلّی، ح. ب. ی. (۱۴۱۴). تذکره الفقهاء (جلد دوم و هفدهم، چاپ سوم). قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- عمروانی، ر. (۱۳۸۷). روابط حقوقی طرفین اعتبار اسنادی. مجله فقه و حقوق (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، (۱۶)، ۵۰-۳۵.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۷۶). قواعد عمومی قراردادها (جلد دوم، چاپ چهارم). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاویانی، ک. و خداحرمی، ن. (۱۳۹۸). نقد و تحلیل رأی صادره در مورد ماهیت حقوقی وکالت‌نامه‌های ابرازی توسط ذی‌نفع در ضمانت‌نامه بانکی. مجله رأی، (۲۸)، ۴۰-۲۵.
- کرکی (محقق ثانی)، ع. ب. ح. (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد (جلد چهارم، چاپ دوم). قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- کلینی، م. ب. ی. (۱۴۰۷). الکافی (جلد پنجم، چاپ اول، م. ع. الغفاری، مصحح). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- لنگریچ، ر. (۱۳۸۵). اعتبارات اسنادی در حقوق تجارت بین‌الملل (س. حسنی، مترجم). تهران: انتشارات میزان.
- محقق حلّی، ج. ب. ح. (۱۴۰۸). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام (جلد سوم، چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- محقق حلّی، ج. ب. ح. (۱۴۰۲). معتبر فی شرح المختصر (جلد پانزدهم، چاپ اول). تهران: المکتبه الاسلامیه.
- محقق حلّی، ج. ب. ح. (۱۴۱۰). المختصر النافع فی فقه الإمامیه (جلد پانزدهم، چاپ اول). قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة.
- مرادی بنی، م. (۱۳۸۰). حقوق و تعهدات بانک در پرداخت‌های اعتباری (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- مراغی، م. ب. ع. (۱۴۱۷). العناوین الفقهیه (جلد دوم، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

مسعودی، ع. (۱۳۸۲). ضمانت‌نامه‌های بانکی در حقوق ایران و تجارت بین‌الملل (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

مهدوی، ا.، و عباسی، م. (۱۳۹۶). تحلیل فقهی ضمانت‌نامه‌های بانکی از دیدگاه فقه امامیه. مجله پژوهش نامه فقه اجتماعی، (۲)، ۷۰-۵۵.

موسوی خمینی، س. ر. (۱۳۷۴). تحریر الوسیله (جلد اول، چاپ سوم). قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.

موسویان، س. (۱۳۹۱). مبانی فقهی بازار پول و سرمایه (چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

نجفی، م. (۱۳۸۹). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (جلد بیست و شش، چاپ سوم). تهران: انتشارات خرسندی.

نجفی، م. (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (جلد سی و پنجم، چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

هنرمند، م. (۱۳۸۶). مبانی حقوقی اعتبار اسنادی در معاملات بین‌المللی. نشریه دادرسی، (۷۵)، ۶۰-۸۰.

یانگ، گ.، و بوکلی، ر. (۱۳۸۵). ماهیت حقوقی ویژه و منحصر به فرد اعتبارات اسنادی (منشاء اعتبارات اسنادی و منابع آن). (م. بناء

نیاسری، مترجم). مجله حقوقی بین‌المللی، (۳۵)، ۸۵-۱۰۰.

Appanna, T. (2008). The two important doctrines underlying documentary letters of credit and the fraud exception. In N. Coetzer et al. (Eds.), Pretoria Student Law Review (1st ed.). Pretoria: Pretoria University Law Press.

Gao, X., & Buckley, R. P. (2003). The unique jurisprudence of letters of credit: Its origin and source. San Diego International Law Journal, (1), 1-35.